

سه‌شنبه ۲۴ تیر ۱۳۹۹ • ۲۲ ذی‌القعدة ۱۴۴۱ • ۱۴ جولای ۲۰۲۰

اخبار

کتپهای دلهره می آیدند

بازشدن پرورنده یک‌مجموعه پلیسی جدید در بازار

نشر یاد آرمیتا به‌تازگی سه‌عنوان از آثار هاوارد فاست نویسنده آمریکایی آثار پلیسی را منتشر و راهی بازار نشر کرده و با این‌آثار، پرورنده مجموعه پلیسی «کتاب دلهره» را باز کرده است. عباس کرتبی عباسی دبیر و سرویراستار مجموعه «کتاب دلهره» معتقد است ژانر جنایی و معمایی با وجود استفاده بسیار و تولید آثار ادبی ارزشمند، جدی گرفته نشده و نویسندگان بزرگی هستند که هنوز آثار عمیق و بزرگ‌شان به فارسی ترجمه نشده است. او با فهرست‌کردن نام‌های زیادی از نویسندگان جهان چون ارست هیمینگوی، پاتریشیا های سمیت، جان اشتاین پک و ... می‌گوید آن‌ها داستان‌هایی دارند که می‌توان برخی از آن‌ها را در فهرست صد رمان برتر جهان قرار داد و تعلیق و دلهره دارند. به‌این‌ترتیب مجموعه «کتاب دلهره» مجموعه‌ای از انتخاب‌های ادبی برای سرگرمی، آموختن و لذت‌بردن از ادبیات است.

هاوارد فاست، نویسنده‌ای که مجموعه مورد اشاره با آثار او شروع شده، متولد ۱۹۱۴ و درگذشته به سال ۲۰۰۳ است. او در ۱۹۶۰ با نام مستعار ای. وی. کانینگهام شروع به نوشتن رمان‌های معمایی کرد. چون تا پیش از آن، به نوشتن آثار دیگری از جمله داستان‌های علمی‌تخیلی اشتغال داشت، فیلم سینمایی مشهور «اسپارِتاکوس» به‌کارگردانی استنلی کوبریک و بازی کرک داگلاس براساس رمانی ساخته شده که فاست نوشته است.

رمان‌هایی که از فاست در قالب مجموعه پیش‌رو منتشر شده‌اند، عبارت‌اند از «جسد عالی»، «شیرینی‌های تلخ» و «استخری که دیگر نبود» که هر سه، عناوین مجموعه‌ای هستند که هاوارد فاست با محوریت شخصیت کارآگاه ماسوتو ماسوتو خلق کرده است. کریمی به پایان متن هر رمان، بخشی با عنوان «بنجره عقبی» آورده که در آن اطلاعاتی درباره کتاب ارائه کرده است.

«جسد عالی» براساس تجربیات فاست در بازجویی‌های کمیته مک‌کارتی است که باعث شد او به زندان افتاده و رمان «اسپارِتاکوس» را در همان‌زندان بنویسد. او در رمان «جسد عالی» حادثه قتل‌عام جمعی از ورزشکاران المپیک مونپخ را که دهه ۱۹۷۰ رخ داد، به داستان دیگری پیوند زده و فاشیسم را به‌عنوان سرچشمه اصلی خشونت در جهان نشان داده است.

این‌کتاب، اولین عنوان «کتاب دلهره» است که شخصیت اصلی‌اش همان‌طور که اشاره شد، کارآگاهی زاپنی به‌نام ماساتو ماسوتو است و در دو کتاب بعدی هم حضور دارد. ترجمه «جسد عالی» به‌عهده مرضیه براهمی بوده است. نام اصلی کتاب مورد نظر، «پرورنده دیپلمات روسی» و تنها کتاب جاسوسی هاوارد فاست در مجموعه هفت‌گانه کارآگاه ماسوتو است. ماسوتو کارآگاهی زاپنی‌الاصل و متولد آمریکا، باهوش و در ضمن اخلاق‌مدار است که در پلیس بورلی هیلز آمریکا خدمت می‌کند. او با استفاده از اخلاق شرقی و مکتب دین و مدیتیشن، پرورنده‌های جنایی را حل می‌کند و از روان‌شناسی هم برای کشف انگیزه‌های جنایت بهره می‌برد.

رمان «جسد عالی» داستانی جاسوسی‌جنایی را شامل می‌شود که با تجربیات جاسوسی از دوران جنگ سرد همراه شده و سیاهی آن‌دوران را نشان می‌دهد. با این‌حال رگه‌هایی از طنز هم در این‌داستان وجود دارد.

این‌کتاب با ۲۰۰ صفحه، شمارگان ۵۰۰ نسخه و قیمت ۳۹ هزار تومان منتشر شده است.

کتاب دوم، «شیرینی‌های تلخ» است که توسط محمد قمری حبشی ترجمه شده است. نام اصلی این‌کتاب «خامه‌ای‌های مسوم» بوده و عنوان «شیرینی‌های تلخ» برای ترجمه فارسی آن در نظر گرفته شده است. در این‌داستان کارآگاه ماسوتو که عموماً اخلاقی خوب و چهره‌ای مودب و صبور داشته، روی دیگر خود را نسبت به گذشته یعنی داستان «جسد عالی» نشان می‌دهد. گفته می‌شود این روی کارآگاه ماساتو را می‌توان روی دیگر نویسنده‌اش یعنی هاوارد فاست دانست.

به‌قول برخی منتقدین، کارآگاه ماساتوی شورش‌گر و باغی این‌کتاب، جلوه اعتراض و خشم فاست است که چشمه‌ای از خود را در رمان اسپارِتاکوس نشان داده است. این‌کتاب چهارمین عنوان از هفتگانه کارآگاه ماسوتو است. او در فرازهایی از این‌داستان شبیه به همان کارآگاه هری کالاهانی می‌شود که کلینت ایستوود در سری فیلم‌های هری کثیف به او عینت و جان بخشید.

این‌کتاب هم با ۲۲۴ صفحه، شمارگان ۵۰۰ نسخه و قیمت ۲۲ هزار تومان به چاپ رسیده است.

«استخری که دیگر نبود» هم توسط عهدیه قاسمی ترجمه شده که به گفته دبیر مجموعه «کتاب دلهره» چون نام اصلی‌اش دوپهلو و غیرقابل ترجمه به فارسی بوده، چنین عنوانی برایش در نظر گرفته شده است. سرعت بالای حوادث و ضربه‌هنگ بالای آن‌ها از جمله ویژگی‌های نثر این‌داستان است. هاوارد فاست در این‌کتاب با خلق شخصیت‌های فرعی در کنار شخصیت اصلی کارآگاه قصه، با رویکرد روانشناسانه، جامعه آمریکا را کند و کاو کرده و نژادپرستی را در این‌کشور به انتقاد گرفته است.

سرمایه‌سالاری، سوءاستفاده از قدرت، نژادپرستی، بوروکراسی و ... از جمله مواردی هستند که فاست در این‌کتاب خود، در کنار انتقاد از روح مک‌کارتیسم آمریکایی از آن‌ها انتقاد کرده است.

انقلاب مشروطه یکی از مهم‌ترین رخدادها در طول تاریخ تمدن ایران زمین است. ملت ایران با این نهضت که به حق «بیداری ایرانیان» نام گرفت، با دستاوردهای تمدن جدید در علوم انسانی و صنعت آشنا شدند و تلاش‌های خود را برای بازخوانی آنها با سنت اسلامی – ایرانی به کار بردن تا «قوام دین و دولت» را موجب شود. درباره مشروطه منابع زیادی منتشر شده و پژوهش‌ها و تحلیل‌های بسیاری صورت گرفته است. خوشبختانه اسناد و مدارک و همچنین شرح‌حال‌ها و زندگینامه‌های بزرگان مشروطه اکثراً به قلم خودشان موجود است. احمد کسروی یکی از مهم‌ترین مورخان مشروطه است که با دسترسی به منابع دسته اول کتاب‌های مهمی را کار کرد که هم اکنون به عنوان مهم‌ترین منابع مطالعاتی در شرح انقلاب مشروطه ایران، در ایران و جهان شهرت دارد. ایرانیان و غیرایرانیان زیادی به دو کتاب «تاریخ مشروطه ایران» و «تاریخ هجده ساله آذربایجان» ارجاع داده و بسیار از آن بهره برده‌اند. اما کسروی بجز این دو کتاب بازهم درباره مشروطه نوشته است.

نشر علم چندی پیش کتاب «مشروطه به روایت کسروی؛ سومین آثار احمد کسروی درباره مشروطیت بر اساس یادداشت‌های او را در روزنامه پرچم» را به کوشش مهدی نورمحمدی، با شمارگان ۷۷۰ نسخه، ۲۹۸ صفحه و بهای ۷۵ هزار تومان منتشر کرد. این کتاب بر اساس یادداشت‌های کسروی در روزنامه پرچم میانه سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۱ خورشیدی فراهم شده است. این یادداشت‌ها که درباره رجال و حوادث انقلاب مشروطه است و ارکان و ساختار کتاب حاضر را تشکیل می‌دهد، شامل ۶ موضوع است: «هواخواهان مشروطه»، «بدخواهان مشروطه»، «گروه سوم»، «یک سند تاریخی»، «یک عکس تاریخی» و «از اینجا و آنجا».

به مناسبت انتشار این کتاب با نورمحمدی گفت‌وگویی داشته‌ایم که در ادامه آن را خواهید خواند. نورمحمدی مورخ، پژوهشگر و سندنشاس پرکار این روزهاست. از دیگر کتاب‌های او می‌توان به این موارد اشاره کرد: «ثور در بهارستان»، «فره العین؛ زندگی، عقیده، مرگ»، «خاطرات عارف قزوینی: به همراه اشعار چاپ نشده»، «تاریخچه میرزا کوچک‌خان: روایتی نو و متفاوت از قیام جنگل»، «مرقع دلگشا: زندگی و آثار ملک محمد قزوینی شیخ علی سکاک و محمدعلی خیابری از پیشگامان خط ترثینی، خط گذار و نقاشی خط»، «قزوين در انقلاب مشروطيت»، «من و آزادی: خاطرات میرزا حسین خیاط (فرنیا) از دوستان عارف قزوینی و میرزا کوچک خان جنگلی»، «اخبار و اسناد قمرالملوک وزیری» و...

اگر موافق باشید بحث را با اهمیت کسروی و یادداشت‌های روزنامه پرچم در تاریخ نگاری مشروطه آغاز کنیم. ویژگی این یادداشت‌ها چیست و چه شباهت‌ها یا تفاوت‌هایی با دو کتاب «تاریخ مشروطه ایران» و «تاریخ هجده ساله آذربایجان» دارد؟

احمد کسروی (۱۲۶۹ – ۱۳۲۴ خورشیدی) مورخ، زبان‌شناس، پژوهشگر، روزنامه نگار، حقوق‌دان و وکیل دعاوی، در حوزه‌های گوناگون دارای تألیفات متعدد پژوهشی است. وی دربارهٔ انقلاب مشروطیت صاحب دو اثر سترگ به نام «تاریخ مشروطه ایران» و «تاریخ هجده ساله آذربایجان» است که از مهم‌ترین مدارک و منابع مربوط به مطالعات مشروطه محسوب می‌شود و همواره مرجع اصلی پژوهشگران این عرصه بوده است.

کسروی وجهه دینی رهبران مشروطه را رد نکرد

سند حضور استالین در گیلان



با وجود اینکه از بدو انتشار تا کنون، نظرات متفاوتی در موافقت و مخالفت با این دو کتاب ابراز شده است، چاپ‌های متعدد با شمارگان بالا نشانگر توجه فراوان محققان، دانشگاهیان، علاقه‌مندان تاریخ مشروطه و کتاب‌خوانان به این آثار است. اقبال عمومی به آثار کسروی دربارهٔ مشروطیت، جنبه‌ای کلاسیک به آن‌ها بخشیده و به همین دلیل است که کتابی دربارهٔ مشروطه به چاپ نمی‌رسد که ارجاعی از این دو کتاب در آن وجود نداشته باشد. این کتاب‌ها علاوه بر ایران، در خارج از کشور نیز دارای شهرت است و به زبان‌های عربی و انگلیسی ترجمه شده است.

کتاب «مشروطه به روایت کسروی» که سومین اثر کسروی دربارهٔ تاریخ مشروطیت محسوب می‌شود، بر اساس یادداشت‌های کوتاه او در روزنامهٔ پرچم در سال‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۲۱ خورشیدی فراهم آمده و برای نخستین بار در قالب کتاب به چاپ رسیده است. بر مبنای نوشتهٔ کسروی، هدف او از نگارش این یادداشت‌ها «ثبت وقایع در تاریخ»، «قدردانی از قهرمانان و کوشندگان مشروطه»، «زنده نگه داشتن نام مجاهدان گمنام مشروطه» و «تکوهش بدخواهان و دشمنان مشروطه» بوده است.

عکس‌هایی که کسروی در این یادداشت‌ها به کار برده آیا در دیگر آثارش درباره مشروطه هم استفاده شده بودند؟ اطلاعی دارید که سرنوشت گنجینه عکس‌های کسروی از مشروطه چه شد؟ عکس‌های تاریخی آن چنان برای کسروی در شرح وقایع و داستان‌های مشروطه دارای اهمیت‌اند که کنار آوردن عکس‌ها، از ذکر مشخصات عکس‌شناسی مانند: زمان و مکان انداخته شدن و معرفی دقیق افراد حاضر در عکس غافل نشده و حتی اگر شخصیتی را نیز نمی‌شناخته، به این نکته اشاره کرده است.

کسروی هیچیک از یادداشت‌های تاریخی خود در روزنامهٔ پرچم را بدون عکس به چاپ نرسانده و برای برخی اشخاص همچون: ستار خان، شیخ فضل الله نوری، سید محمد طباطبایی، میر هاشم دوچی که آنان را بیش از یک بار معرفی کرده، عکس جدید و غیرمکرر آورده است. علاقه و اهتمام کسروی به جمع آوری عکس به حدی است که در هنگام معرفی رجال و شرح رویدادها نیز از خوانندگان درخواست ارسال عکس کرده است. یکی از ویژگی‌های کسروی در نگارش یادداشت‌های روزنامه پرچم این است که به صراحت و بدون ملاحظه، نظر و داوری خود را دربارهٔ رجال مؤثر در انقلاب مشروطه ابراز کرده و دوستی و یا نفرت خود را نسبت به آنان آشکار ساخته که این امر نشانگر بی‌پاکی اوست

در این چند روز اولی که فعلا تا زمان تهیه منزل در راینزی فرهنگي مستقر هستم؛ بخصوص شب‌ها کارم شده است، نظم بخشیدن به گزارش‌ها و پرونده‌های تودرتوی هم و تفکیک و دسته‌بندی کردن آنها. این کار هر چند زحمت زیادی می‌برد ولی حسن بزرگی هم دارد. در حین انجام آن؛ با زحمت و تلاش‌های نسل‌های قبلی راینزی فرهنگي هم گذرا آشنا می‌شوم. کارنامه و عملکرد دوستان قبلی در قرقیزستان بر اساس وزن‌کن‌ها و گزارش‌های موجود بعینه مشخص و پربار است.

ساخته که این امر نشانگر بی‌پاکی اوست. بدیهی است که این سبک تاریخ نویسی و روزنامه نویسی به طور قطع و یقین موجب برانگیخته شدن دشمنی‌هایی علیه وی می‌شد، بخصوص که در زمان چاپ روزنامهٔ پرچم بسیاری از رجال مورد اشاره و یا فرزندان آنان در قید حیات بودند.

کسروی به مخالفت با روحانیت شهره است اما در این یادداشت‌ها تعریفات او از روحانیون بسیار بیشتر از تکذیباتش است. دلیل چیست؟ به نظر من کسروی را به خودی خود نمی‌توان یک ضدروحانی محسوب کرد. کسروی چه در این یادداشت‌ها و چه در دو کتاب مشهور خود، از روحانیون طرفدار مشروطه و هواداران ملت به نیکی و با احترام یاد کرده ولی نسبت به روحانیون هوادار محمدعلی شاه به دلیل همراهی با استبداد نظر مثبتی ابراز نکرده است.

بر اساس همین مرزبندی، وی در یادداشت‌های روزنامه پرچم برای روحانیون طرفدار مشروطه به ویژه طباطبایی و بهبهانی و همچنین مجتهدین سه گانهٔ حامی مشروطه در عتبات عالیات احترام و فراوانی قائل شده و برای آنان از لفظ «شادروان» و «آقایان» استفاده کرده است.

او در این یادداشت‌ها برای سید محمد طباطبایی و سید عبدالله بهبهانی عبارت «پیشوای دینی» را به کار برده و همین امر، پاسخی به آن دسته از مخالفین کسروی در سال‌های اخیر است که معتقدند وی برای رهبران مشروطه وجههٔ دینی قائل نبوده است. ضیاءالعلماء، میرزا مصطفی آشتیانی، تقه‌الاسلام تبریزی، سید جمال افجه‌ای، صدرالعلماء، شیخ محمدرضا قمی، شیخ محمود سلماسی و میرزا حسن مقدس از دیگر روحانیونی هستند که کسروی در این یادداشت‌ها آنها را مورد ستایش قرار داده و با نیکی و احترام از آنها یاد کرده است.

به نظر شما کسروی با آن همه صراحت در گفتار چتر نام استالین را نیاورده است؟

به هر حال نباید فراموش کرد که ایران در آن هنگام در اشغال ارتش سرخ بوده و کسروی به عنوان یک مورخ ملی گرا نخواست به با آوردن نام استالین، اهمیت او را زیاد کند و با این اقدام، ناراضیاتی خود را از اشغال ایران توسط قوای بیگانه به نمایش درآورده است. البته این احتمال هم هست که شاید نخواستۀ هواداران حزب توده از این بابت سوء استفاده کند. برای مثال، من از کهنسالان قزوين شنیدم که جنگ جهانی دوم که ارتش شوروی این شهر را به اشغال خود درآورده بود، روس‌ها در بناهای مهم شهر همچون حیاط نادری، عمارت شهرداری، و گراند هتل فیلم‌هایی راجع به پیشروی نیروهای خود در جبهه‌های جنگ پخش می‌کردند. در هنگام پخش این فیلم‌ها هنگامی که چهرهٔ استالین از پردهٔ سینما پخش می‌شد، مردم تحت فشار حزب توده مجبور بودند بایستند و به افتخار او دست بزنند. البته در شهرهای دیگر هم عملکرد هواداران حزب توده بهتر از این نبوده است. ممکن است کسروی به دلیل جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی حزب توده نخواستۀ است نام استالین را به طور آشکار در روزنامهٔ خود بیاورد. با چاپ این کتاب، مسیر مطالعات مشروطه چه تحولی را پیدا خواهد کرد؟

با توجه به اینکه آثار کسروی یکی از منابع مهم مشروطه شناسی است، با چاپ این کتاب، سندی ارزشمند به اسناد انقلاب مشروطه اضافه شده که در شناخت این انقلاب بزرگ مفید و سودمند خواهد بود.

بخشی از مقدمه پرواند آبراهامیان در این کتاب چنین است: «ادوارد پالمِر تامپسون در تکوین طبقه کارگر در انگلستان، برخلاف سایر نحلّه‌های تاریخ‌نگاری، از منظر خبرگان و نخبگان و نهادهای قدرت به تاریخ نمی‌نگریست. نگاه او به تاریخ از «پایین» بود، از منظر فرودستان و تهیدستان. عبارت مشهورش را همه خوانده‌ایم: «می‌کوشم قربانیان گذشته را از خفت فراوانی که نسل‌های بعدی بارشان کرده‌اند برهانم.

تاریخ اجتماعی برای او مطالعه سنت‌ها و مبارزه‌های مردم عادی بود و از این‌رو سیاست را نه بنابرعه میان نخبگان رقیب بلکه غالباً تضاد طبقاتی میان فرادستان و فرودستان می‌دانست... تامپسون اگر به روایت کلان می‌رسید، تکلیش‌بر گسترده‌گی داده‌های خرد بود، انبوهی از داده‌های تجربی کاویده‌شده. در این روایت کلان می‌شد صدای بی صدایان را شنید. صدای تهیدستان و فرودستان... ترجمه فارسی تکوین طبقه کارگر در انگلستان گرچه پس از پنجاه‌واندی سال به دست خوانندگان فارسی‌زبان می‌رسد، اما سال‌هاست که می‌توان ردپای تامپسون را در کار تنی چند از مورخانی یافت که پژوهش‌شان درباره گذشته‌های دور و نزدیک ایران بوده است... در تاریخ‌نگاری ایران که عمدتاً نخته‌بند تاریخ‌نگاری‌های ملی‌گرایانه و آئینی و استالینی بوده است، ترجمه فارسی اثر بزرگ تامپسون ستودنی است.»

اخبار

روایت تاریخ آگاهی طبقه کارگر در کتاب مشهور ادوارد پالمِر تامپسون

نشر آگاه دومین چاپ کتاب «تکوین طبقه کارگر در انگلستان» نوشته ادوارد پالمِر تامپسون و ترجمه محمد مالجو را با شمارگان ۳۳۰۰ نسخه، ۹۵۲ صفحه و بهای صدوهفتاد هزار تومان منتشر کرد. چاپ نخست این کتاب سال ۹۶ با شمارگان ۵۵۰۰ نسخه و بهای ۷۵ هزار تومان منتشر شده بود. ادوارد پالمِر تامپسون مورخ، نویسنده سوسیالیست و مبارز صلح بود. او را امروزه بیشتر برای پژوهش‌های تاریخی‌اش درباره جنبش‌های رادیکال اواخر سده ۱۸ و اوایل سده ۱۹ میلادی در انگلستان و بریتانیا می‌شناسند؛ به ویژه با کتاب «تکوین طبقه کارگر در انگلستان»مقدمه ترجمه فارسی این کتاب را پرواند آبراهامیان نوشته است. کتاب سه بخش و ۱۶ فصل دارد. بخش نخست کتاب با عنوان «نهای آزادی» شامل پنج فصل است: «اعضای محدود»، «مسیحیت و اپالین» و «قلعه‌های شیطان»، «آزادمرد انگلیسی» و «کاشتن نهال آزادی».

بخش دوم کتاب با عنوان «تفرین آدم ابوالبشر» نیز شامل هفت فصل است: «استعمار»، «فصله‌های مزروع»، «پیش‌شوران و دیگران»، «بافندگان»، «سطوح متعارف زندگی و تجربه‌ها»، «تیروی دگرگون ساز مسیحیت» و «اجتماع». در نهایت «حضور طبقه کارگر» نیز عنوان بخش سوم کتاب است با این سرفصل‌ها: «وست مینیستر رادیکال»، «ارتش تلافی گران»، «زبان اوران و شهیدان» و «آگاهی طبقاتی». تامپسون سه ویراست مختلف از این کتاب را در زمان حیات خود منتشر کرد. نخستین ویراست در سال ۱۹۶۳ به انتشار رسید. دومین ویراست در سال ۱۹۶۸ همراه با بازنگری‌هایی تقریباً در حد ۶ هزار کلمه در متن یا در زیرنویس‌های فصل‌های گوناگون خصوصاً فصل هفتم و افزودن بی‌نوشتی تقریباً ۱۰ هزار کلمه‌ای شامل برخی تعدی‌ل‌ها و پاسخ‌های نقدی درگرفته در بین محققان منتشر شد. سومین ویراست نیز در سال ۱۹۸۰ همراه با مقدمه کوتاه جدیدی به مناسبت بازنشر آن به بازار آمد. ترجمه فارسی کتاب بر مبنای سومین ویراست است و بی‌نوشث ۱۹۶۳ نیز در انتهای ترجمه فارسی آمده. درعین‌حال، متن فارسی واجد دو افزوده مترجم نیز هست: یک گاه‌شمار تاریخ انگلستان که مترجم آن را با تکیه بر اطلاعات متن اصلی کتاب و سایر منابع مرجع برای تسهیل مطالعه متن فراهم آورده و یک اصطلاح‌نامه که با استفاده از گوناگون در توضیح بسیاری از اصطلاحات غالباً ناشنا برای خوانندگان تدارک دیده شده است. تئوری اصلی تامپسون در این کتاب روایت توده‌گرایی طبقه کارگر است و در خلال آن می‌تواند روند همبستگی، جمع‌گرایی و رادیکالیسم سیاسی طبقه کارگر را در انگلستان نشان دهد. فاصله زمانی بررسی کتاب ۱۷۸۰ تا ۱۸۳۲ است. فاصله‌ای که تامپسون را در دوره «تکوین» طبقه کارگر می‌داند. به روایت مارکس، می‌توان این دوران را دوران رشد (انقلاب انگلستان) مهم است. گرچه تا قبل از ۱۸۷۰ طبقه سرمایه‌دار آشکارا مسلط بود ولی هنوز سود اصلی از تجارت به دست می‌آمد. در نظر مارکس، تنها سرمایه‌داری صنعتی می‌توانست ایجاد بی‌حد سود را به این شیوه در حوزه تولید تأمین کند. تامپسون تأثیر انقلاب صنعتی را از طریق تجربه‌های صنعتگران، بافندگان و دیگر کسانی که بر اثر دگر گونی از جامعه کشاورزی به جامعه شهری سلب مالکیت شده بودند بررسی می‌کند.

بخشی از مقدمه پرواند آبراهامیان در این کتاب چنین است: «ادوارد پالمِر تامپسون در تکوین طبقه کارگر در انگلستان، برخلاف سایر نحلّه‌های تاریخ‌نگاری، از منظر خبرگان و نخبگان و نهادهای قدرت به تاریخ نمی‌نگریست. نگاه او به تاریخ از «پایین» بود، از منظر فرودستان و تهیدستان. عبارت مشهورش را همه خوانده‌ایم: «می‌کوشم قربانیان گذشته را از خفت فراوانی که نسل‌های بعدی بارشان کرده‌اند برهانم.

تاریخ اجتماعی برای او مطالعه سنت‌ها و مبارزه‌های مردم عادی بود و از این‌رو سیاست را نه بنابرعه میان نخبگان رقیب بلکه غالباً تضاد طبقاتی میان فرادستان و فرودستان می‌دانست... تامپسون اگر به روایت کلان می‌رسید، تکلیش‌بر گسترده‌گی داده‌های خرد بود، انبوهی از داده‌های تجربی کاویده‌شده. در این روایت کلان می‌شد صدای بی صدایان را شنید. صدای تهیدستان و فرودستان... ترجمه فارسی تکوین طبقه کارگر در انگلستان گرچه پس از پنجاه‌واندی سال به دست خوانندگان فارسی‌زبان می‌رسد، اما سال‌هاست که می‌توان ردپای تامپسون را در کار تنی چند از مورخانی یافت که پژوهش‌شان درباره گذشته‌های دور و نزدیک ایران بوده است... در تاریخ‌نگاری ایران که عمدتاً نخته‌بند تاریخ‌نگاری‌های ملی‌گرایانه و آئینی و استالینی بوده است، ترجمه فارسی اثر بزرگ تامپسون ستودنی است.»

آثار موزه آبینگنه و سفاینه مرمت می‌شود
حمید وکیل باشی با بیان اینکه در این طرح ۱۳۰۰ اثر از موزه آبینگنه مرمت و نجات بخشد می‌شود گفت: اولین مرحله قبل از هر گونه اقدام حفاظتی و مرمتی، مستندنگاری دقیق و ثبت وضعیت اولیه هر شیء است. در ابتدا از زوایای مختلف با اشل از اشیاء عکاسی و سپس سایر مشخصات فیزیکی مانند وزن و ابعاد ثبت می‌شود. وکیل باشی افزود: در مرحله بعد وضعیت شیء از لحاظ استحکام، میزان آلودگی و سایر آسیب‌های نیازمند مرمت، بررسی و پس از مرحله مستندنگاری اقدامات حفاظتی و مرمتی شروع و بستگی به نوع آسیب، استحکام و بخشی و یا یکسازوی اولیه اجرا می‌شود. او بیان کرد: پس از مراحل فوق در صورت نیاز، وسالی و مرمت نهایی یکسازوی و استحکام بخشی می‌شود. کارنامه و حفاظت و مرمت مجدد عکاسی از زوایای مختلف و مستندنگاری محقق می‌شود.